

## ۴۲. دین ابراهیم حنیف

حضرت ابراهیم شخصی متمول، صاحب نفوذ و برجسته بود ولی همواره بخداوند

وفادار بود. خداوند عهدی با ابراهیم بست و باو وعده داد که ذریتش ملت عظیمی خواهد گردید، ولی نبی تعجب کرد که این وعده چگونه عملی خواهد شد چون خودش مرد سالخورده ای بود. در سن ۷۵ سالگی از عور کلدانیان خارج شده بود و حال مدت ده سال در کنعان زندگی کرده بود. حالا وعده خدا را با تمامی وجودش باور کرد چون خدا گفته بود که پسری خواهد داشت، چون باور کرد لقب خلیل الله باو داده شد. در قرآن مجید چنین ذکر شده: «و از نظر دین نیکوتر از آنکس کیست که خود را برای خدا تسلیم کند در حالی که آن نیکو کار باشد و از آئین معتدل ابراهیم پیروی نماید؟ و خداوند ابراهیم را دوست (خلیل) خود گرفت.» (نساء ۱۲۵).

طولی نکشید که پسری زائیده شد و نامش را اسماعیل گذاشت یعنی خدا میشنود. بعداً اسحق و پسران دیگر نصیبش شدند. و بدین ترتیب وعده خداوند که نسل ابراهیم چون ریگ دریا زیاد خواهد شد امکان پذیر گردید. در سن ۹۹ سالگی خداوند دستور دیگری به ابراهیم فرمود: «من خدای قادر مطلق هستم. از من اطاعت کن و آنچه راست است بجا آور. با تو عهد می بندم که نسل تو را زیاد کنم.» (پیدایش ۱۷:۲۱).

در اینجا استنباط میشود که خداوند خواست با نوع بشر عهدی ببندد. در

آیه هفتم اضافه شد که «من عهد خود را تا ابد با تو و بعد از تو با فرزندان، نسل اندر نسل برقرار می کنم. من خدای تو هستم و خدای فرزندان نیز خواهم بود.» (پیدایش ۱۷:۷). عهدی که با ابراهیم بسته شد عهدی ابدی بود. حالا سؤال پیش میآید که آیا ما که از نسل ابراهیم نیستیم آیا امکان دارد از وعده خداند استفاده کنیم؟ خداوند گفت: «این کار را بخاطر ابراهیم خواهم کرد، چون او احکام و اوامر مرا اطاعت نمود.» (پیدایش ۲۶:۵).

بسیاری از مردم دارای همان اعتقاداتی هستند که پدرانشان از طفولیت بآنان آموخته اند. بعضیها احادیث گذشتگان را قانون زندگی میدانند. بعضیها میگویند چون ابراهیم یهودی بود، من هم یهودی هستم. بعضیها هم میگویند ابراهیم مسیحی بود پس من هم مسیحی هستم. دیگران میگویند ابراهیم مسلمان بود بنابراین من هم مسلمان هستم. دین ابراهیم چه بود؟ در ابتدا باید دانست که ابراهیم فردی با ایمان بود و بخدا توکل نمود. خدا امر فرمود و ابراهیم اطاعت کرد. همان احکامی که بر روی کوه سینا به موسی داده شد چنانکه در یکی از برنامه های سابق ذکر کردیم در انجیل و هم در قرآن تکرار شدند. معلوم میشود که اگر ما بخوایم وارث آن عهد شویم که خدا به ابراهیم داد، ما نیز باید مثل ابراهیم اوامر خدا را اطاعت کنیم و با ایمان بخداوند توکل کنیم.

آیه دیگری از قرآن مجید نقل قول کنیم که میفرماید: «ابراهیم نه یهودی بود و نه ترسا بلکه از همه کیشها بدین اسلام گرائید و بر دین اسلام استوار بود و او از

انبازگیران بود.» (آل عمران ۶۷). ابراهیم بت پرست نبود. ابراهیم حقانیت خدا را بدیگران یاد میداد. وظیفه ما همان است که هر چه خداوند امر فرموده است به دیگران نقل کنیم. هر چه خداوند دستور میدهد باید با ایمان قبول کنیم. ولی ایمان چیست؟ پولس رسول آن کلمه را چنین بیان میکند: «حال ببینیم ایمان چیست. ایمان یعنی اطمینان به اینکه آنچه امید داریم، واقع خواهد شد، ایمان یعنی یقین به آنچه اعتقاد داریم، گرچه قادر به دیدنشان نمی باشیم. . . ابراهیم نیز بخاطر ایمانی که به خدا داشت، دعوت او را اطاعت کرد و بسوی سرزمینی که خدا وعده اش را داده بود، براه افتاد. او بدون آنکه بداند به کجا می رود، شهر و دیار خود را ترک گفت.» (عبرانیان ۱۱:۸).

خیلی چیزهایی هستند که ما نمیتوانیم ببینیم، ولی مثل ابراهیم ما نیز باید خدائی را که نمیتوانیم ببینیم قبول کنیم. البته ایمانی که بکار نیفتد بیهوده است. یعقوب رسول میفرماید: «پس ملاحظه می کنید ایمانی که منجر به اعمال خیر نگردد، ایمان نیست، بلکه یک ادعای پوچ و توخالی است.» (یعقوب ۲:۱۷). پولس رسول این موضوع را تأکید میکند: «علاوه براین در کتاب آسمانی پیش بینی شده بود که خدا غیر یهودیان را نیز بوسیله ایمانشان نجات خواهد داد. از اینرو، خدا در همان زمان در این مورد با ابراهیم سخن گفت و فرمود: همه آنانی را که مانند تو، به من ایمان داشته باشند، از هر ملتی که باشند، مورد عنایت خود قرار خواهم داد، بنابراین، هر که به مسیح ایمان آورد، از همان

برکت و لطف الهی که نصیب ابراهیم گردید، برخوردار خواهد شد.» (غلاطیان ۳:۹ و ۱۰).

حالا به بزرگترین دلیل اینکه ابراهیم مطیع امر خدا بود ملاحظه فرمائید. در اواخر عمر طولانی آن حضرت، چنین ثبت شده: «مدتی گذشت و خدا خواست ابراهیم را امتحان کند: پس او را ندا داد: "ای ابراهیم! ابراهیم جواب داد: "بلی، خداوندا! خدا فرمود: "یگانه پسر . . . را که بسیار دوستش می داری برداشته، به سرزمین موربا برو و در آنجا وی را بر یکی از کوههایی که به تو نشان خواهم داد بعنوان هدیه سوختنی، قربانی کن!"» (پیدایش ۲۲:۲۱ و ۲۲). نتیجه آن تجربه را مطمئناً شنیده اید. قوچی را دید که در بوته ای گیرکرده بود و آن را بجای فرزندش قربانی کرد. در قرآن کریم آن را «ذبح عظیم» نامیده است. چون ابراهیم راضی بود تا آن حد پیش برود تا ثابت شد که در زمره ایمانداران محسوب شده است. ما نیز باید جدیت کنیم تا خدا را تا آخرین درجه اطاعت کنیم. آنگاه ما نیز در زمره کسانی خواهیم شد که بکلی به خداوند تسلیم شده اند. ای کاش مردم از هر امت و زبان و قوم و قبیله در این قضیه متحد میشدند.

عنوان برنامه بعدی ما راجع بزمانی است که صخره ها صدا در می آیند.

خداوند راهنما و نگهدارتان باشد.